



«خودنویس» شروع یک حرکت است

✎ تولیدکنندگان محتوا از دیرباز برای اثرگذاری بر مخاطبان خود به ابزار و فناوری نیاز داشته‌اند. چه در زمان‌های دور که دود، کبوتر و چاپار می‌توانستند پیامی را منتقل کنند و

دکتر قاسم صفایی‌نژاد

مدیر نشر جام جم

چه در سده‌های اخیر که چاپ، رادیو و اینترنت این امکان را برای بشر تسهیل کرده است. فناوری هر چقدر پیشرفت کند و هر چقدر امثال ملك لوهان معتقد باشند که «رسانه همان پیام است»، اما می‌دانیم همیشه آن چیزی که حرف نهایی را برای اثرگذاری بر مخاطبان می‌زند و اصالت دارد، «محتوا» است.

در دنیایی که ما زندگی می‌کنیم روز به روز، سهم محتوای مصرف شده در فضای مجازی در حال فزونی است و مدیریت مصرف محتوا در این شرایط نیازمند سیاستگذاری جدی است. مردم در سراسر جهان زیر بارش اطلاعاتی پرشتاب، به سمت مصرف بیشتر محتوای سطحی، کوتاه و روزمره می‌روند و این در میان مدت و بلندمدت یعنی «سطحی شدن تفکر انسان‌ها»؛ خطری که اندیشمندان دنیا با توصیه به بالا رفتن سطح «سواد رسانه‌ای» و مدیریت مصرف محتوا با آن مقابله می‌کنند.

مصرف رسانه‌های عمیقی مانند کتاب و سینما در کشور ما وضعیت مناسبی ندارند؛ می‌بایست فکری کرد در خور نام و سابقه تمدن اسلامی ایرانی‌مان. نیاز به «یک نهضت تولید محتوا» داریم که در آن میزان قابل اعتنایی محتوای «عمیق» نیز تولید شود. پرسش این است که مگر می‌توان نهضتی را پایه گذاشت بدون حضور «مردم»؟

در دوره جدید نشر جام جم برنامه‌ریزی جامع و دقیقی طراحی شده است تا بتوانیم زمینه‌های لازم برای این نهضت مردمی تولید محتوای عمیق را فراهم کنیم. «خودنویس» شروع یک حرکت است؛ یک حرکت به سمت بهتر اندیشیدن و بهتر زندگی کردن.

در دور اول مسابقه داستان‌نویسی خودنویس، در کمتر از شش ماه، ۴۵۹ داستان بلند توسط مردمی نوشته شد که تا به حال هیچ داستانی از آنها منتشر نشده بود. ۲۹ استان از ۳۱ استان کشور عزیزمان در این مسابقه شرکت کردند و ۲۵۰ نفر به عنوان نفرات شایسته حمایت در سه رده طلایی و نقره‌ای و برنزی از این میان معرفی شدند. در ماه‌های گذشته کارگاه‌های داستان‌نویسی برای ۲۰ نفر طلایی این مسابقه برگزار شد و با کمک مربیان مطرح کشور سعی کردیم آثار تقویت شود. حمایت‌ها برای نفرات نقره‌ای و برنزی هم در راه است.

معتقدیم با جدی انگاشتن رویکرد «صنایع خلاق» می‌توان علاوه بر تولید محتوا و اثرگذاری فرهنگی، منفعت مالی برای تولیدکنندگان محتوا ایجاد کرد. بنابراین پس از این که آثار به کمک مربیان تقویت شد، با انتشار آن آثار و تخصیص درصدی از فروش به نویسندگان مردمی، سعی در تحقق این وظیفه داریم.

معتقدیم «ما می‌توانیم» یک شعار نیست و با حضور مردم در این عرصه، موانع موجود در صنعت نشر و نشر الکترونیک بسیار آسان‌تر از قبل، از میان خواهد رفت.

این برنامه بی‌نقص نیست و دست یاری به سمت تمام اندیشمندان و صاحبان فکر این حوزه دراز می‌کنیم.

این شماره از «فقهسه» به خلاصه ۲۰ کتاب برتر خودنویس اختصاص یافته که می‌خواهیم با کمک همه مردم، نفرات برتر را شناسایی کنیم. کتاب‌های منتشرشده را در کتابخوان جام جم بخوانید و به آنها رأی دهید.



حوری نساء

نویسنده: عبدالرضا شریفی نیا

متولد: ۵۹ کرمان

خلاصه داستان: جایز و ماهی دو خواهر بودند که در حد فاصل بین رودبار و سیستان و بلوچستان زندگی می‌کردند. ماهی اوایل بلوغ با فروشنده دوره‌گردی از مشهد ازدواج می‌کند و راهی آن شهر مقدس می‌شود. این دو خواهر سال‌ها از هم دور افتاده‌اند تا این که تنها برادر آنها در اثر تصادف، جان خود را از دست می‌دهد. جایز دختری به نام حوری نساء دارد و ماهی نیز پسری به نام رضا. دیدار این خانواده بر سنگ مزار برادرشان این دو خانواده را پس از سال‌ها با هم روبه‌رو می‌کند. در این میان حوری با پسر خاله خود که از محیطی کاملاً متفاوت است؛ درگیر مسائلی عاطفی می‌شود. رضا به خاطر عشقی که به حوری نساء دارد به رودبار جنوب مهاجرت می‌کند...

تکیه‌گاه

نویسنده: آمنه اسکندر پور

متولد: ۷۱ استان گیلان

خلاصه داستان: تکیه‌گاه روایت زندگی پسری است که به دلیل سوختگی صورت و متهم شدن به مرگ مادر او را رها می‌کنند. او سال‌های زیادی با اراده و پشتکار درس می‌خواند و کار می‌کند، اما مشکلات زیادی سر راه خود می‌بیند. این کتاب روایت زمین خوردن‌ها و قد راست کردن‌های مردی است که جامعه او را کنار گذاشته و امید است چراغ راه کسانی شود که طعم شیرین داشتن پناهگاه امن را نچشیده‌اند... تکیه‌گاه یک دروغ زیبای شاعرانه نیست، قهرمان داستان من زمان را جابه‌جا نمی‌کند، دنیا را نجات نمی‌دهد یا به خاطر لیلی‌اش کوه را نمی‌کند؛ او فقط برای اجرای صلح می‌جنگد... در دنیای او همه فرصت جبران دارند... و در مرام او کینه خط قرمز است... تکیه‌گاه حامی کودکان رها شده‌ای است که هر کدام با مهربانی ما می‌توانند پویای قصه من باشند....



نقطه نقطه خط

نویسنده: علی مفرح

متولد: ۷۵ مشهد

کیوان پسر ۱۶ ساله‌ای است که در دنیایی خاکستری و بدون محبت، عشق را در پس ذهن بیمار گونه‌اش جست‌وجو می‌کند و در چشم به هم زدن تمام زندگی پر تنش او گرفتار توقف مطلق می‌شود. توقفی از جنس دوست داشتن و دوست داشته شدن! توقفی بزرگ که زندگی‌اش را با رنگ گرم عشق، رنگ‌آمیزی می‌کند و پس از این توقف عظیم، کیوان، در این دنیای تازه کشف شده سرگردان می‌شود! «برخورد محبت‌آمیز است که اوضاع را روبه‌راه می‌کند. بدون سوپ مرغ مامان، بدون مادر ترزا، بدون اظهار لطف همسایه‌مان در کلیسا یا نوازشی در بیمارستان، شاید مثل حیوان می‌شدیم!»